

بازار کار فارغ التحصیلان آموزش عالی

دکتر علی سوری^۱

رضا کیهانی حکمت^۲

چکیده

این مقاله به توصیف بازار کار کشور از جنبه تحصیل کردگان می پردازد. وضعیت بازار کار کشور نشان می دهد که در حال حاضر با حجم عظیمی از نیروی کار تحصیل کرده مواجه است که قدرت جذب آن را ندارد. از طرف دیگر در آینده نیز این وضعیت به مراتب تشدید خواهد شد. این وضعیت به گونه ای است که بیکاری فارغ التحصیلان عمدتاً به افراد ۳۰ ساله و کمتر اختصاص دارد که بیش از ۸۰ درصد تحصیل کردگان بیکار را تشکیل می دهند. از طرف دیگر وضعیت جمعیت غیرفعال بالای ۱۰ ساله که به صورت دانش آموز، دانشجو و سرباز و غیره می باشند بیانگر این است که تعداد آنها در حال حاضر به اندازه تعداد شاغلین می باشد و در آینده نه چندان دور، بازار کار با خیل عظیمی از آنها مواجه می شود.

واژگان کلیدی

میزان مشارکت، نرخ بیکاری، گروههای عمده سنی، رشته های تحصیلی

۱. هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا دانشکده ادبیات - گروه اقتصاد آدرس الکترونیکی: A-souri@yahoo.com

۲. کارشناس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان همدان آدرس الکترونیکی: reza_kyhany@yahoo.com

مقدمه

آموزش عالی یکی از زیر ساخت‌های اساسی توسعه در هر کشوری محسوب می‌شود و به همین لحاظ توجه به مسایل آموزش عالی همواره یکی از دغدغه‌های مهم تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان بوده است. در حال حاضر بازار کار کشور با پدیده جدیدی به نام "تحصیل کردگان" مواجه شده است. جوانان ما پس از سال‌ها تلاش و مبارزه نفس‌گیر و طاقت‌فرسا برای ورود به دانشگاه و چندین سال صرف وقت و هزینه برای تحصیل در دانشگاه، پس از فراغت از تحصیل، با معضلی به نام "بیکاری" مواجه شده و مبارزه‌ای تازه را برای فرار از آن آغاز می‌کنند. از طرف دیگر به علت گسترش فن‌آوری و دانش، برای یک کشور غیر ممکن است سیاست‌های توسعه اقتصادی را بدون فراهم کردن جمعیتی فرهیخته تعقیب کند. آموزش عامل عمده‌ای برای توسعه است؛ اما تنها در صورتی که با شرایط جامعه سازگار شود و به طریقی مناسب در ارتباط با نیازهای توسعه کشور مورد استفاده قرار گیرد (۱۴).

بدین منظور، برنامه چهارم توسعه کشور نیز به موضوع ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری و تلاش برای دستیابی به اقتصاد متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین توجه نموده است. بنابراین، ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با تخصص فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و کاهش نرخ بیکاری آنها گامی در جهت تحقق بخشیدن به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه می‌باشد. با کاهش نرخ بیکاری تحصیل‌کردگان، هم سهم نیروی انسانی متخصص در تولید افزایش می‌یابد و به ارتقاء بهره‌وری سایر عوامل تولید منتهی خواهد شد و هم انگیزه دانشجویان را در فراگیری بهتر علوم افزایش می‌دهد و فرآیند تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد را تقویت می‌کند. در این مقاله با استفاده از نتایج به

دست آمده از طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، میزان مشارکت اقتصادی فارغ التحصیلان آموزش عالی، نرخ بیکاری، سهم بیکاران فارغ التحصیل در گروههای عمده سنی و رشته های تحصیلی طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

مروری بر ترکیب جمعیت فعال و غیر فعال کشور

قبل از پرداختن به وضعیت شغلی تحصیل کردگان، ابتدا مروری بر ترکیب جمعیتی کشور از نظر جمعیت فعال، شاغل و غیر فعال می پردازیم. جدول (۱) وضعیت جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر را نشان می دهد که به دو گروه یعنی جمعیت فعال و غیر فعال تقسیم می شوند. یکی از نکات مهمی که در جدول (۱) به چشم می خورد این است که در بین جمعیت غیرفعال بخش اندکی به بازنشستگان اختصاص دارد. آنها گروهی هستند که قبلاً شاغل بوده و در حال حاضر به هر دلیلی از شغل خود کنار رفته اند. اما دو گروه دیگر یعنی خانه دارها و همچنین دانش آموزان، دانشجویان، سربازان وظیفه و غیره، کسانی هستند که هنوز وارد بازار کار نشده اند.

جدول ۱: جمعیت فعال، شاغل و بیکار طی دوره ۷۵-۱۳۳۵ (هزار نفر)

نسبت (۴) به (۳)	جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی				نرخ بیکاری (۴)	جمعیت (۲)	جمعیت فعال (۲)	کل جمعیت (۱)	سال
	خانه دار (۸)	بازنشسته (۷)	محصل، دانشجو و غیره (۶)	کل (۵)					
۳۰	۲۹۶۴	۰	۱۷۵۳	۶۷۱۷	۲.۶	۵۹۰۸	۶۰۶۷	۱۲۷۸۴	۱۳۳۵
۴۴	۶۰۱۷	۰	۳۱۴۱	۹۱۵۸	۹.۲	۷۱۱۶	۷۸۴۱	۱۶۹۹۹	۱۳۳۵
۵۵	۷۷۰۷	۶۶۸	۲۸۳۱	۱۳۲۰۶	۱۰.۲	۸۷۹۹	۹۷۹۶	۲۳۰۰۲	۱۳۵۵
۷۶	۱۱۱۶۹	۵۶۳	۸۳۲۲	۲۰۰۵۲	۱۳.۲	۱۱۰۰۱	۱۲۸۲۰	۳۲۸۷۲	۱۳۶۵
۸۷	۱۲۰۹۵	۲۵۴	۱۱۳۶۹	۲۳۹۱۸	۱۱.۱	۱۳۰۹۷	۱۲۷۳۷	۳۸۶۵۵	۱۳۷۰
۹۸	۱۳۱۹۳	۱۲۹۸	۱۴۳۳۱	۲۸۸۲۲	۹.۱	۱۴۵۷۲	۱۶۰۲۷	۴۵۳۰۱	۱۳۷۵

منبع: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران.

این دو گروه ممکن است بنا به هر دلیلی تمایل پیدا کنند که وارد بازار کار شوند. اما می توان فرض نمود که خانه دارها تمایل به ورود به بازار کار ندارند و فقط گروه سوم که در ستون (۶) جدول (۱) نشان داده شده است، بخواهند در آینده وارد بازار کار شوند. ستون (۶) جدول (۱) نشان می دهد که این گروه به سرعت در حال رشد می باشند. نکته در خور توجه در ستون آخر جدول (۱) منعکس شده است. در اینجا نسبت جمعیت دانش آموز، دانشجو، سربازان وظیفه و غیره به جمعیت شاغل نشان داده شده است. به عبارت دیگر بیانگر نسبت جمعیتی که در آینده می خواهند وارد بازار کار شوند به جمعیتی که در حال حاضر شاغل هستند، می باشد. در سال ۱۳۳۵ این نسبت ۰/۳ است، یعنی به ازای هر ۳ نفر شاغل یک نفر وجود داشته است که در آینده وارد بازار کار می شود. این نسبت در

سال ۱۳۵۵ به ۰/۵۵ می رسد، یعنی به ازای هر دو نفر شاغل یک نفر وجود داشته است که در آینده قصد ورود به بازار کار را داشته است. نسبت مذکور در سال ۱۳۷۵ تقریباً به ۱ می رسد. این وضعیت بدان معنا است که به ازای هر یک نفر شاغل یک نفر نیز در خارج از بازار کار داریم که در آینده نزدیک قصد ورود به بازار کار را دارد. به عبارت دیگر به اندازه تعداد شاغلین، افرادی را داریم که می خواهند در آینده نه چندان دور به نیروی کار شاغل بپیوندند. بدیهی است که بخش عمده ای از این نیروی کار متعلق به تحصیل کردگان است که یا در حال تحصیل در مدارس و دانشگاهها هستند یا در حال خدمت سربازی می باشند.

۲- میزان مشارکت اقتصادی فارغ التحصیلان آموزش عالی

بر اساس نتایج طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ همواره بیش از ۸۰ درصد فارغ التحصیلان دوره های آموزش عالی از نظر اقتصادی فعال بوده اند لیکن میزان مشارکت آنان طی سالهای مذکور کاهش یافته و از ۸۹/۷ درصد به ۸۱/۷ درصد رسیده است که حدود ۸ درصد کاهش نشان می دهد. جدول (۲) میزان مشارکت اقتصادی فارغ التحصیلان دوره های آموزشی عالی را بر حسب جنس طی سالهای مورد بررسی نشان می دهد.

جدول ۲: میزان مشارکت اقتصادی فارغ التحصیلان دوره های آموزش عالی در سالهای ۸۳-۱۳۷۶ (درصد)

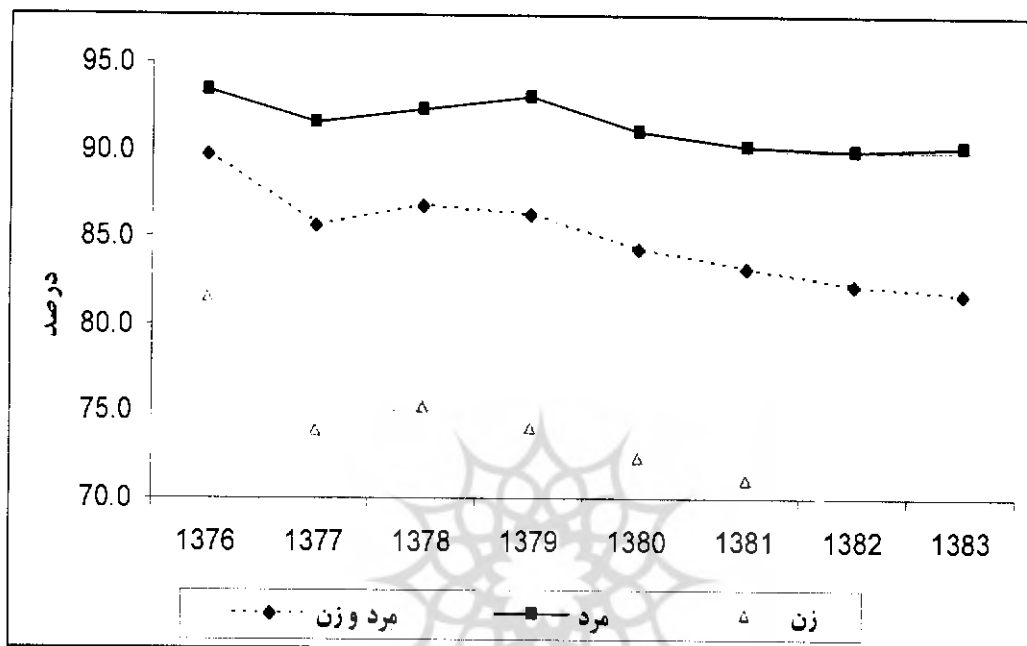
شرح	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
مرد و زن	۸۹/۷	۸۵/۶	۸۶/۷	۸۶/۲	۸۴/۴	۸۳/۲	۸۲/۲	۸۱/۷
مرد	۹۳/۴	۹۱/۵	۹۲/۴	۹۳	۹۱	۹۰/۲	۹۰	۹۰/۲
زن	۸۱/۶	۷۳/۹	۷۵/۳	۷۴/۱	۷۲/۴	۷۱/۱	۶۹/۵	۶۸/۲

منبع: طرح آمارگیری از ویژگی های اشتغال و بیکاری خانوار از سال ۱۳۷۶-۱۳۸۳ مرکز آمار ایران

کاهش میزان مشارکت اقتصادی بیشتر در بین زنان و در حدود ۱۳/۴ درصد بوده است به طوری که میزان مشارکت اقتصادی آنان از ۸۱/۶ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۶۸/۲ درصد در سال ۱۳۸۳ کاهش یافته است. آنچه مسلم است فارغ التحصیلان دوره های آموزش عالی طی سالهای مذکور بیشتر به جرگه غیر فعالان پیوسته اند.

بررسی درصد تغییرات در بین زیر گروههای جمعیت غیر فعال دارای تحصیلات عالی در این سالها نشان می دهد، بیشترین درصد افزایش مربوط به جمعیت خانه دار دارای تحصیلات عالی می باشد که با توجه به نقش نان آوری مردان و نیز محدودیت فرصتهای شغلی زنان نسبت به مردان به مرور درصد زنان خانه دار دارای تحصیلات عالی افزایش پیدا کرده است. نمودار(۱)، روند تغییرات میزان مشارکت اقتصادی زنان و مردان فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی را نشان می دهد.

نمودار ۱: میزان مشارکت اقتصادی فارغ التحصیلان آموزش عالی



۳- نرخ بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی

در سال ۱۳۷۶ از فارغ التحصیلان دوره های آموزش عالی که وارد بازار کار شده اند ۶/۵ درصد بیکار بوده اند که در سال ۱۳۸۳ این رقم به ۱۲/۸ درصد افزایش یافته است. همچنین سهم جمعیت بیکار فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی در بین کل بیکاران نیز از ۳/۶ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. جدول ۲ نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دوره های آموزش عالی را بر حسب جنس طی سالهای مورد بررسی نشان می دهد.

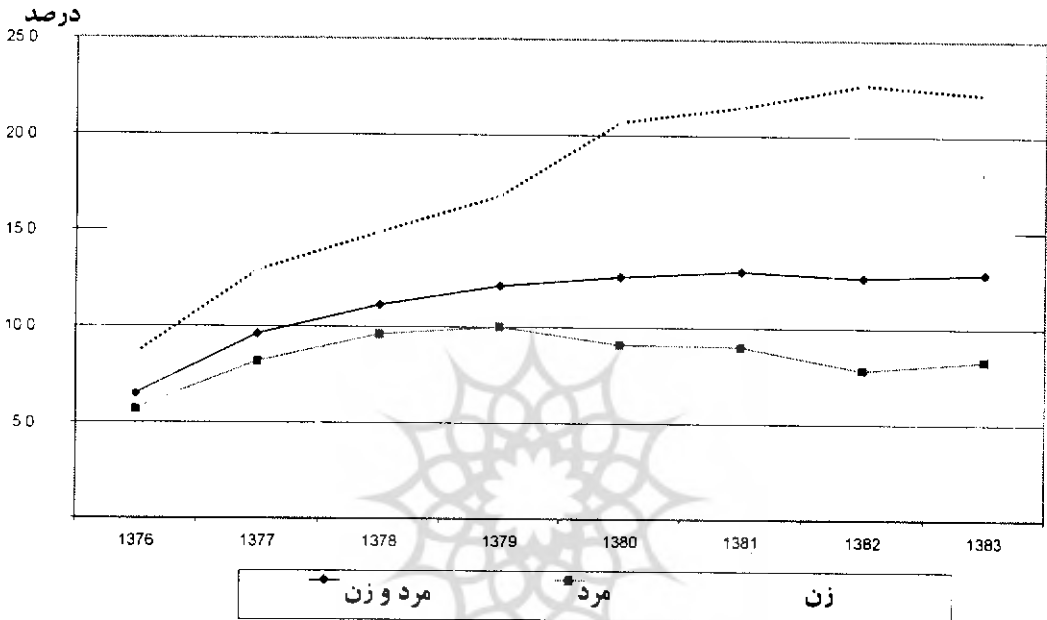
جدول ۳: نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دوره های آموزش عالی: ۸۳-۱۳۷۶

شرح	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
مرد و زن	۶/۵	۹/۶	۱۱/۱	۱۲/۱	۱۲/۶	۱۲/۹	۱۲/۶	۱۲/۸
مرد	۵/۷	۸/۲	۹/۶	۱۰	۹/۱	۹	۷/۸	۸/۳
زن	۸/۶	۱۲/۹	۱۴/۹	۱۶/۸	۲۰/۷	۲۱/۵	۲۲/۷	۲۲/۲

منبع: همان

همانگونه که جدول ۳ نشان می دهد، افزایش نرخ بیکاری در بین زنان بیش از مردان بوده است بطوریکه فاصله نرخ بیکاری زنان و مردان دارای تحصیلات عالی در دوره مذکور از ۲/۹ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۳/۹ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته که بیانگر افزایش میزان عدم تعادلها در بازار کار از جنبه جنسیتی می باشد. نتیجتاً برنامه ریزی بازار کار نیروی کار دارای آموزش عالی با رویکرد جنسیتی اجتناب ناپذیر است. نرخ بیکاری مردان از ۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۸/۳ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده است در حالیکه میزان بیکاری زنان طی سالهای مزبور با ۱۳/۶ درصد افزایش از ۸/۶ درصد به ۲۲/۲ درصد رسیده است. افزایش سریع نرخ بیکاری زنان دارای تحصیلات عالی به دلیل فشار زیاد عرضه نیروی کار آنها می باشد که این مسئله نیز بواسطه افزایش سهم پذیرفته شدگان دختر در دانشگاهها است (۱). نمودار ۲ روند تغییرات نرخ بیکاری مردان و زنان فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی را طی سالهای مورد بررسی نشان می دهد.

نمودار ۲: میزان بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی بر حسب جنسیت ۸۳-۱۳۷۶



۴- توزیع نسبی بیکاران دارای تحصیلات عالی در گروههای عمده سنی

توزیع جمعیت بیکار دارای تحصیلات عالی در گروههای عمده سنی نشان می دهد که در سال ۱۳۷۶ گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله با ۴۳/۶ درصد بیشترین درصد جمعیت بیکار دارای تحصیلات عالی را داشته است ولی در سال ۱۳۸۳ اکثریت افراد بیکار دارای تحصیلات عالی (۴۱/۳ درصد) در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله قرار گرفته است. به نظر می رسد افراد با توجه به روند رو به افزایش مسائل و مشکلات مربوط به یافتن شغل مناسب، قبل از اتمام تحصیلات عالی در جستجوی کار می باشند. جدول ۴ توزیع نسبی

بیکاران دارای تحصیلات عالی را در گروههای عمده سنی طی سالهای مورد بررسی نشان

می دهد.

جدول ۴: توزیع نسبی بیکاران دارای تحصیلات عالی در گروههای عمده سنی: ۸۳-۱۳۷۶

شرح	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کمتر از ۲۰ ساله	۲/۳	۱/۱	۱	۲/۵	۱/۷	۴/۳	۲/۷	۱/۹
۲۰-۲۴ ساله	۳۵/۷	۲۷/۶	۳۰/۶	۳۵/۱	۴۱/۷	۴۲/۱	۴۱/۲	۴۱/۳
۲۵-۲۹ ساله	۴۳/۶	۴۷/۱	۴۶/۵	۴۳/۴	۳۸/۹	۳۸/۹	۴۱/۱	۴۰/۴
۳۰-۳۴ ساله	۸/۶	۱۴/۴	۱۰/۷	۱۰/۶	۱۱/۶	۱۰/۱	۹/۴	۱۰/۴
۳۵ ساله و بیشتر	۹/۸	۹/۸	۱۱/۲	۸/۴	۶/۱	۴/۵	۵/۷	۶/۱

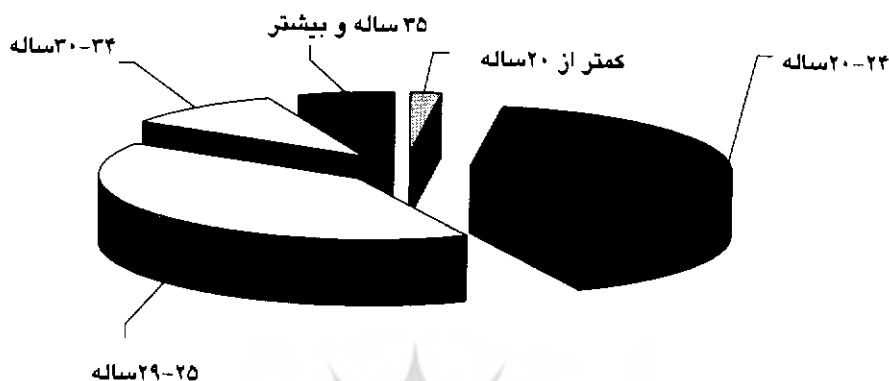
منبع: همان

نمودار ۳ توزیع نسبی بیکاران دارای تحصیلات عالی را در گروههای عمده سنی در سال

۱۳۸۳ نشان می دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۳: توزیع نسبی بیکاران دارای تحصیلات عالی در گروه‌های عمده سنی: ۱۳۸۳



۵- توزیع نسبی بیکاران فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی در رشته های تحصیلی

توفیق فارغ التحصیلان در بازار کار، به مجموعه ای از عوامل بستگی دارد، که رشته تحصیلی و ویژگی های شخصی از جمله آنها به شمار می آید (۱۱). عامل تعیین کننده عمده، در توفیق فارغ التحصیلان در بازار کار، در واقع، رشته ای است که دانشجویان در آن زمینه تحصیل کرده است. کسب سرمایه انسانی به خودی خود، تنها علت رفتن به دانشگاه و اخذ یک مدرک تحصیلی نیست. بطوریکه یک جنبه مهم مصرفی نیز در آموزش وجود دارد. در نتیجه برای فارغ التحصیلان رشته هائی که در آن جنبه مصرفی آموزش بالاست، ممکن است به نسبت، فروش مهارت های ایشان در بازار کار مشکل تر باشد. بدین منظور، توزیع نسبی بیکاران فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی بر حسب رشته تحصیلی نشان می دهد در سال ۱۳۸۳ اکثریت بیکاران فارغ التحصیل آموزش عالی (۱۵/۸ درصد) در رشته بازرگانی و مدیریت تحصیل کرده اند، پس از آن ۱۵/۲ درصد در

رشته های علوم انسانی و ۱۴/۳ درصد در رشته های مهندسی فارغ التحصیل شده اند که این مسئله به لحاظ تداوم برنامه ها و شیوه های سنتی آموزشی، تکیه بیش از حد به دروس نظری و انباشت محفوظات، کم توجهی به پرورش مهارتها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری، دانشجویان و آماده نشدن آنها برای مواجهه با مسایل و نیازهای جامعه و رواج روحیه مدرک گرایی و افزایش انتظارات دانش آموختگان از دولت برای ایجاد اشتغال و استخدام آنها قابل توجه است. از طرف دیگر زنان دارای تحصیلات عالی عمدتاً در مشاغل وابسته به فعالیتهای آموزشی، بهداشتی و خدمات عمومی مشغول به کار هستند و این فعالیتهای در سالهای آینده امکان رشد زیادی ندارند. بنابراین فراهم کردن زمینه های مناسب برای اشتغال زنان دارای تحصیلات عالی در سایر فعالیتهای اقتصادی اجتناب ناپذیر است. جدول ۵ توزیع نسبی بیکاران فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی بر حسب رشته های تحصیلی در سالهای مورد بررسی نشان می دهد.

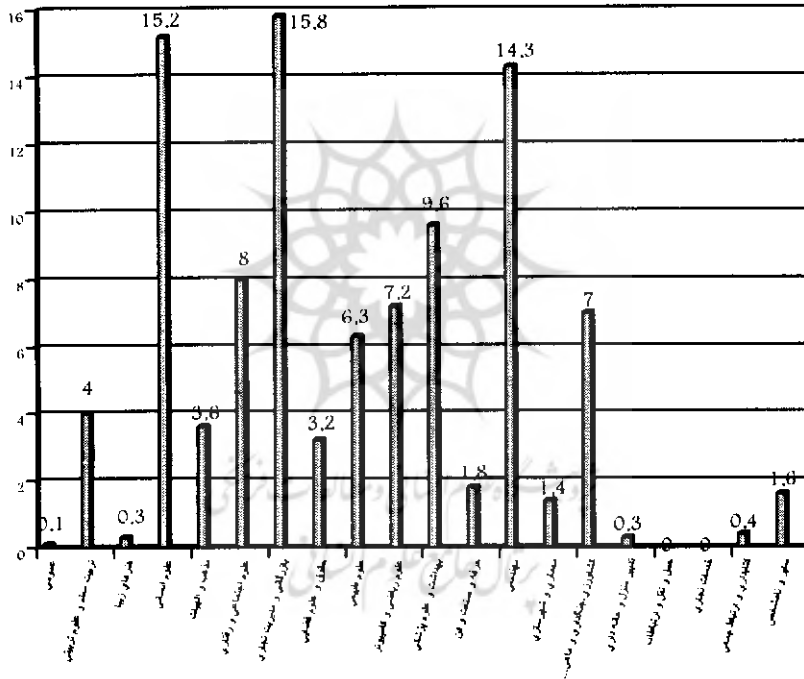
جدول ۵: توزیع نسبی جمعیت بیکاران فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی بر حسب رشته های

تحصیلی: ۸۳-۱۳۷۶

شرح	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
عمومی	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰	۰	۰/۲	۰	۰/۱
تربیت معلم و علوم تربیتی	۳/۲	۲/۲	۳	۲/۱	۳/۶	۳/۲	۵/۲	۴
هنرهای زیبا	۰/۵	۰/۶	۰/۳	۰/۳	۰/۴	۰/۹	۰/۸	۰/۳
علوم انسانی	۱۷/۶	۱۶/۶	۱۳/۹	۱۴/۵	۱۷/۲	۱۴/۳	۱۶/۳	۱۵/۲
مذهب و الهیات	۳/۱	۲/۹	۲/۲	۳/۹	۳/۳	۲/۸	۳/۱	۳/۶
علوم اجتماعی و رفتاری	۶/۸	۹/۹	۶/۲	۹/۱	۶/۶	۸	۶/۷	۸
بازرگانی و مدیریت تجاری	۱۰	۱۵	۱۵/۵	۱۵/۵	۱۷/۱	۱۶	۱۴/۳	۱۵/۸
حقوق و علوم قضایی	۲/۷	۳/۲	۲/۳	۳/۷	۳/۹	۳/۲	۴	۳/۲
علوم طبیعی	۸/۹	۷	۵/۳	۵/۹	۶/۱	۷/۶	۷/۲	۶/۳
علوم ریاضی و کامپیوتر	۳/۴	۳/۱	۳/۳	۵/۴	۴/۱	۶/۴	۶/۴	۷/۲
بهداشت و علوم پزشکی	۱۱/۵	۱۰/۶	۱۱/۳	۹/۲	۱۰/۴	۸/۲	۸	۹/۶
حرفه و صنعت و فن	۰/۳	۰/۹	۰/۸	۰/۸	۱/۱	۱/۳	۰/۸	۱/۸
مهندسی	۱۸/۷	۱۶/۱	۱۷/۶	۱۵/۵	۱۵/۵	۱۵/۲	۱۳/۹	۱۴/۳
معماری و شهرسازی	۰/۲	۱/۱	۰/۹	۰/۹	۰/۴	۰/۷	۱/۴	۱/۴
کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	۱۰/۷	۹/۲	۱۱/۴	۹/۲	۸/۴	۸/۵	۸/۸	۷
تدبیر منزل و خانه داری	۰	۰/۲	۰	۰/۳	۰/۳	۰/۵	۰/۴	۰/۳
حمل و نقل و ارتباطات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خدمات تجاری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کتابداری و ارتباط جمعی	۰/۶	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۰/۵	۰/۶	۱/۱	۰/۴
سایر و نامشخص	۱/۶	۰/۹	۰/۵	۱/۵	۱	۲/۲	۱/۶	۱/۶

شایان ذکر است که در سال ۱۳۸۳ اکثریت افراد شاغل فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی نیز در همین رشته ها تحصیل کرده اند، به طوری که شاغلان دارای رشته های مهندسی ۱۷/۱ درصد، رشته های بازرگانی ۱۳/۵ درصد و رشته های علوم انسانی ۱۲/۲ درصد بوده اند.

آموزش عالی در رشته های تحصیلی : ۱۳۸۳ (واحد: درصد)



در این راستا، مطالعه صورت گرفته طی دهه ۱۹۸۰ در بریتانیا، بر اساس یک رگرسیون داده های مقطعی و برای ۴۳ دانشگاه در بریتانیا تعریف شده است.^۱ داده های مورد

استفاده در این رگرسیون مربوط به سال ۱۹۸۳ از "FDS"^۱ سالنامه آماری دانشگاهی "USR"^۲ اخذ شده است.

$$PEMP = -38/57 + 1/100PEMP + 1/21A - Level + 0/15School + 0/01Age + 6/43Exca.$$

$$(۳/۶۴) \quad (۱/۰۰) \quad (۲/۱۱) \quad (۲/۷۵) \quad (۲/۹۱) \quad (۴/۵۳)$$

در این رابطه $PEMP$ نمایانگر نسبت فارغ التحصیلانی است که از نظر اقتصادی فعال بوده و ظرف مدت ۶ ماه پس از فراغت از تحصیل به یک شغل تمام وقت دست یافته اند. $PEMP^*$ نرخ اشتغال فارغ التحصیلان است که بر اساس ترکیب رشته ها، استاندارد شده است. $A - Level$ معدل نمرات دریافت شده، توسط یک گروه فارغ التحصیلان همسن است (نمره $A - Level$ یک دانشجوی، براساس بهترین سه درسی که با آن دبیرستان را ترک کرده محاسبه شده است). به رتبه A در امتیاز $A - Level$ ، B امتیاز و رتبه B ، C امتیاز و رتبه C ، امتیاز ... اختصاص می یابد. $School$ درصد دانشجویانی است که از دبیرستان هائی گرامر و یا مستقل فارغ التحصیل شده اند. Age سال تاسیس دانشگاه است و $Excat$ یک متغیر دو ارزشی است. اگر موسسه سابقاً به صورت کالج های تکنولوژی پیشرفته بوده است، مقدار آن یک خواهد بود و در غیر این صورت برابر صفر است، ارقام داخل پرانتز آماره t هستند. ضریب $PEMP^*$ لزوماً برابر واحد است. علائم ضرایب تخمین زده شده فرضیات فوق را تأیید می کند. در یک بازار نیروی کار با کارکرد خوب، ینگاهها به مهارت ها و خصیصه های مولدتر بازده بالاتری می دهد و به مدارس خاتواده ها و اقاراد، این مطلب را می رسالتند که در این مهارتها سرمایه گذاری کنند. وقتی

این امر دچار اختلال می شود (که اغلب به دلیل دخالت گسترده دولت است) ترکیب غلطی از انباشت سرمایه انسانی صورت می گیرد. در ایران، دخالت دولت در بازار کار و آموزش رسمی به تأکید بیشتر بر کسب مدرک است تا کسب مهارت‌های مولد. بطوریکه مقررات بازار کار در ایران مانع می شود که کارفرمایان حقوق متناسب با ارزش کار کارکنان را پرداخت کنند. مشاغل دولتی نظام پرداخت مشخصی دارند و برای مدرک بیش از مهارت‌های واقعی و اصول کار خلاق ارزش قائل می شوند (۱۳). دانشگاه‌های دولتی ایران مثال خوبی برای این عملکرد می باشند. تمام کسانی که دارای مدارک تحصیلی عالی می باشند به طور یکسان حقوق می گیرند. در واقع در دانشگاه‌ها مسئله از دست دادن شغل به علت کمبود کارایی وجود ندارد. تعجب آور نیست که خانواده‌ها نیز تمرکز خود را متوجه موفقیت در تحصیلات رسمی نموده‌اند تا یادگیری سایر مهارت‌های تولیدی. بنابراین مدرک گرایی^۱ در ایران تابع بازار کار و سیستم آموزشی می باشد.

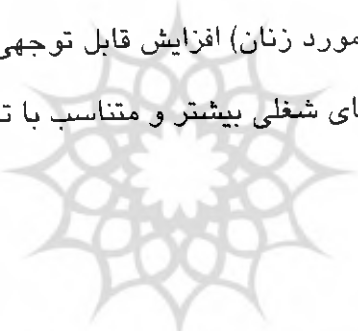
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

در یک جمع‌بندی کلی در مورد وضع فعالیت تحصیلکردگان دوره های آموزش عالی می توان گفت همواره بیش از ۸۰ درصد فارغ التحصیلان دوره های آموزش عالی از نظر اقتصادی فعال بوده اند که طی سالهای ۸۳-۷۶ میزان مشارکت اقتصادی آنان کاهش یافته است. این امر به طور عمده در اثر کاهش میزان مشارکت اقتصادی زنان فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی صورت گرفته است که در نتیجه آن سهم زنان خانه دار دارای تحصیلات عالی افزایش یافته است. بررسی نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دوره های آموزش عالی که وارد بازار شده اند، نشان می دهد روند تغییرات آن طی سالهای ۸۳-۷۶ افزایشی بوده است به طوری که این میزان از ۶/۵ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده است. این مسئله بطور عمده در نتیجه افزایش نرخ بیکاری زنان فارغ التحصیل دوره های آموزش عالی بوجود آمده است. با توجه به کاهش میزان مشارکت اقتصادی این دسته از زنان و همچنین افزایش نرخ بیکاری آنان به نظر می رسد شرایط بازار کار برای مشارکت و اشتغال زنان فارغ التحصیل آموزش عالی نسبت به مردان نامساعدتر می باشد که بیانگر افزایش میزان عدم تعادلها در بازار کار از جنبه جنسیتی می باشد. در نتیجه برنامه ریزی بازار کار نیروی کار دارای آموزش عالی با رویکرد جنسیتی اجتناب ناپذیر است. توزیع نسبی جمعیت بیکار دارای تحصیلات عالی در گروههای عمده سنی نشان می دهد، در سال ۱۳۷۶ اکثریت بیکاران دارای تحصیلات عالی در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله قرار داشته اند که با تغییراتی در سال ۱۳۸۳، گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله اکثریت بیکاران دارای تحصیلات عالی را به خود اختصاص داده است. به نظر می رسد با توجه به شرایط نامناسب اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی، برخی از دانشجویان از سالهای آخر تحصیل، شروع به جستجوی کار می نمایند. لازم به ذکر است

همواره اکثریت بیکاران فارغ التحصیل آموزش عالی در رشته های علوم انسانی، بازرگانی و مدیریت تجاری و مهندسی تحصیل کرده اند.

در پایان ذکر این نکته که آموزش عالی در ایران در سالهای اخیر به دلیل تأکید بر گسترش کمی آن، رشد شتابانی داشته است. از این رو، تداوم رشد کمی آموزشهای عالی کشور در آینده می تواند معمای پدیده بیکاری فارغ التحصیلان - چنانچه سیاستهای گسترش خطی ادامه یابد - را پیچیده تر نماید. از طرف دیگر، عرضه نیروی کار کشور در برنامه چهارم توسعه دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد و سهم نیروی کار دارای تحصیلات عالی (به ویژه در مورد زنان) افزایش قابل توجهی خواهد داشت که این مسئله بیانگر ضرورت ایجاد فرصتهای شغلی بیشتر و متناسب با تخصص آنها در آینده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- ۱- امینی، علیرضا. تحولات بازار کار در برنامه چهارم توسعه با تأکید بر اشتغال زنان، جوانان، فارغ التحصیلان دانشگاهها، مناطق شهری و روستایی و استانهای کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی دفتر اقتصاد کلان، گروه بازار کار، ویرایش دوم، مهرماه ۱۳۸۳، صفحه ۱۹.
- ۲- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۴۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران.
- ۳- طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، آبان ۱۳۷۶، مرکز آمار ایران.
- ۴- طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، آبان ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
- ۵- طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، آبان ۱۳۷۸، مرکز آمار ایران.
- ۶- طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، آبان ۱۳۷۹، مرکز آمار ایران.
- ۷- طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، آبان ۱۳۸۰، مرکز آمار ایران.
- ۸- طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، آبان ۱۳۸۱، مرکز آمار ایران.
- ۹- طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، آبان ۱۳۸۲، مرکز آمار ایران.
- ۱۰- طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، بهار ۱۳۸۳، مرکز آمار ایران.
- ۱۱- گرنت جونز، اقتصاد آموزش، ترجمه دکتر مصطفی عماد زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۷۶، صفحه ۲۹۸.
- ۱۲- مجموعه گزارشهای: همایش چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، دفتر اول، تهران، ۱۳۸۱، صفحه ۱۲.
- ۱۳- مجموعه سخنرانیهای علمی - تخصصی، سال ۱۳۷۹، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۰، صفحات ۳۲۳-۳۲۴.
- ۱۴- عبدالحسین نفیسی و...، دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۰، صفحه ۹۸.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی